

منجم یهودی

هنگام تولد حضرت ولی عصر(ع) منجمی یهودی در قم اقامت می کرد که در آن سامان شهرت بسزایی داشت. احمد بن اسحاق که از شخصیت های معروف قم و وکیل امام حسن عسکری (ع) در قم بود، پیش منجم یهودی رفت و گفت: برای ما در فلان روز مولودی به دنیا آمده است، فالی او را برای ما ببین. یهودی گفت: آن چه من از محاسبه های خود به دست می آورم، این است که او یا پیامبر خواهد بود و یا وصی پیامبر. او شرق و غرب جهان را تحت حکومت و سیطره خود در خواهد آورد. من چنین در می یابم که احدی روی زمین نمی ماند، جز این که در برابر او تسلیم می شود.

۱. روزگار رهایی ج ۱، ص ۱۴۱.

پیشگویی های نوستر آداموس

برسی پیشگویی های نوستر آداموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران: شاهزاده عرب، مریخ، خورشید، ناهید، شیر، حکومت کلیسا را از طریق دریا از پای در خواهد آورد، از جانب ایران پرشیا بیش از یک میلیون پرهیزگار به بیزانس و مصر، به سوی شمال هجوم خواهند آورد (۱)

از کشور عربی خوشبخت در منطقه غنی و ثروتمند اعراب شخصی قدرتمند و مسلط بر شریعت حضرت محمد(ص) زاده خواهد شد، اسپانیا را به درد سر انداخته و برگرانداد

غرناطه مستولی می شود. از طریق دریا بر مردم نیکوزیا ظفر خواهد یافت. (۲) مرد مشرقی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد، برای دیدار فرانسه از کوه آپونین خواهد گذشت، از فراز آسمان، از برف ها، دریاها و کوه هاگذر خواهد کرد و همگان را با عصایش مضروب خواهد کرد

ادبیات رمز آلود، واژه ای است که به بهترین نحو می تواند عمق معانی شعرواره های نوستر آداموس را بیان کند چرا که طبق نظر اغلب مفسران معروف نوستر آداموس یعنی اریکاچیتهام، گی بوک رژان شارل، دو فن برون، حداقل وقایع ذیل را می توان بدون هیچ شک و تردیدی از میان شعرواره های رمز آلود نوستر آداموس برشمرد:

آتش سوزی بزرگ لندن در سال ۱۶۶۶ م اعدام چارلز اول، روی کار آمدن حکومت مذهبی کرامول در انگلستان، وقوع انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، رویارویی استالین و تروتسکی پس از مرگ لنین، اضمحلال رژیم شوروی، اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتوانت، به قدرت رسیدن ناپلئون و انتخاب لقب امپراتور توسط وی، به قدرت رسیدن هیتلر و رژیم نازی، به قدرت رسیدن موسولینی در ایتالیا و ژنرال فرانکو در اسپانیا، ترور کندی، سقوط شاه ایران و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، رهبری امام خمینی ره از فرانسه او دقیقاً عنوان

می کند که رهبر ایران از فرانسه باعث سقوط شاه ایران می شود- وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و آتشی که در برج های دوقلوی شهر جدید نیویورک ایجاد می شود و بسیاری از حوادث تاریخی دیگر از سال های ۱۵۵۵ میلادی به بعد که حدود ۴۵۰ سال را در بر میگیرد. دو محاصره، درگرمایی سوزان، انجام می گیرد. آن مرد، از فشار تشنگی، به خاطر دوفنجان مملو از آب، کشته می شود.

دژ نظامی، مملو می شود، و یک آرمانگرایی کهنسال امام خمینی ره، نشانه های نیرا سرزمین ایران، را به اهالی ژنو سازمان ملل متحد نشان خواهد داد. (۴) رهبر پاریس، اسپانیای بزرگ را اشغال می کند، کشتی های جنگی در برابر مسلمانان محمدی ها که از پارتیا ناحیه ای در ایران و مدیا ناحیه ای در ایران برخاسته اند، می ایستند آن مرد، سیکلادا روپا را تاراج می کند، و آنگاه انتظاری بزرگ در بندر یونان حکمفرما می شود.

در مجموع نوستر آداموس به این موضوع به صراحت اشاره می کند که ایران پارت، نیرا، پرشیا، مدیا با کمک مسلمانان سراسر جهان، از جمله کشورهای عربی و مخصوصاً سوریه، عربستان سعودی و لیبی حکومت مقتدری را تشکیل می دهند و پس از جنگی مذهبی که هسته آن از لبنان شروع می شود و عمدتاً بر علیه اسرائیل است، جهان را به تسخیر خود در می آورند و سپس جنگی جهانی و عظیم رخ خواهد داد و جهان نابود خواهد شد (۵)

در هنگامه دمیدن خورشید، آتش بزرگ، دیده خواهد شد صدا و روشنای، در امتداد شمال، ادامه خواهد یافت. در میانه کره خاک، مرگ و آوای مرگ، کشیده خواهد شد مرگ از درون سلاح ها، آتش و خشکسالی آنان را به انتظار خواهند نشاند. در خاتمه، این سرزمین به واسطه جنگ جهانی سوم نابود و نامسکون خواهد شد. (۶) سرزمین مسکونی، از سکنه خالی خواهد شد برای به دست آوردن سرزمین ها، جدال و اختلاف شدیدی در می گیرد، قلمرو ما به مردانی سپرده خواهد شد که از غرور و سربلندی تهی خواهند بود. سپس، برای برادران بزرگ، نفاق و مرگ پیش خواهد آمد.

و چنین بر می آید که ایران، جهان را ابتدا از طریق حمله به ترکیه و مقدونیه به تصرف خود در خواهد آورد:

شب در آسمان، مشعلی رو به خاموشی، دیده خواهد شد. در مرکز رن، جنگ و خشکسالی به بار می آید، کمک خیلی دیر می رسد.

پرشیا ایران حمله آورده و ماگدونیا و در جای دیگر می گوید: مقدونیه را به محاصره در می آورد. (۷)

توای فرانسه اگر از آب های لیگوریا گذر کنی خود را، در میانه دریا و جزایر در محاصره خواهی یافت. و پیروان محمد، در برابر تو خواهند ایستاد. و همچنین تو ای دریای آدریاتیک استخوان خزان و اسبان را خواهی جوید (۸) و باز می گوید: آن مرد، با سلاح ها و آتش درختان، در نزدیکی دریای سیاه از پرشیا برای تسخیر ترابوزان خواهد آمد.

فاروس و میتیلن به لرزه در خواهد آمد خورشید، دریای آدریاتیک را که مملو از اجساد اعراب است روشن خواهد کرد. (۹)

و سپس نوستر آداموس، عواقب جنگ اتمی و نابودی تدریجی جهان به واسطه جنگ جهانی سوم را شرح می دهد:

کسوفی در پیش خواهد بود که از زمان آفرینش گیتی تا زمان مرگ و مصائب حضرت مسیح واز آن زمان تا به امروز مرکز رخ نداده است و جهان چنین ظلمتی به خود ندیده است... (۱۰)

که در این مورد آیات مربوط به قیامت در سوره قیامت به ذهن انسان تداعی می شود:

فإذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس والقمر يقول الانسان يومئذ اين المفر. هنگامی که بینایی خیره می گردد، و ماه فرو می رود، و خورشید و ماه گرد هم آیند، آن روز انسان می گوید: به کجا فرار کنم

مرد والامقامی از تبار عرب به زودی پیش خواهد تاخت. از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد. از شهر قدیمی رودس به پیشوازاو خواهند آمد، از جانب هانگری مجارستان متحمل آزار بسیار خواهد شد. (۱۱)

در حوالی دریای آدریاتیک بر اثر توفانی عظیم، کشتی غرق می شود و زمین به لرزه درآید و به سوی آسمان پرتاب می شود و دوباره فرومی افتد در مصر جنبش پیروان محمد افزایش می یابد و پیکی به آن سوی مرزها، فرستاده می شود تا خبر را اعلان کند.

... شهرها آلوده و کثیف گشته، باعث اعتراض و شرمساری زیادی خواهد شد، و تاریکی و جهل فقط با درخشش نور از بین می رود و با

تغییراتی حکومت جهل و ظلمت پایان خواهد یافت... رهبری اصلی مشرق زمین با شورش های زیادی روبرو خواهد شد، که اکثرا از

طرف شمالی ها و غربی ها مغلوب شده است، که عده ای کشته و برخی مورد آزار قرا گرفته اند و بقیه در حال گریزند و فرزندانشان که از زنان متعددی هستند، زندانی شده اند. (۱۲)

م. پ. ادوارد در کتاب خود در باب پیشگویی های نوستر آداموس نقل می کند که سانتوری هشتم، قطعه ۶ مربوط به وقوع جنگ جهانی سوم است:

"... جنگ و خونریزی برای مرتبه سوم حتمی است آتش به حدی است که دریاها به جوش می آید واز دولت ما فقط دو دولت واز

جهان فقط نیمی باقی می ماند... (۱۳) شاهزاده لیبیای که نماینده حکومت ایران است در غرب به قدرت خواهد رسید، یک فرانسوی

از اعراب به شدت مکدر خواهد شد، دانشمند ادیب، ادبا خود را با اوضاع وفق خواهند داد، زبان عرب بر فرانسه پیش می گیرد... (۱۴)

در نزدیکی سوربن جهت حمله به مجارستان، قهرمانی از اهالی برودها سیاه پوستان به آنان هشدار خواهد داد. رهبر بیزانس، سالون

از اسلاوینا، آنان را به شریعت محمد در خواهد آورد. همچنین نوستر آداموس چنین می سراید که: امپراتوری مقدس به آلمان خواهد آمد

پیروان اسماعیل جایگاه بی مانع خواهند یافت. آدم های نادان همچنان خواستار کارمانی شریعت کهنه هستند. تمامی حمایت کنندگان

محمد سراسر گیتی را خواهند پوشاند (۱۵)

بنابراین، نوسترآداموس در اغلب سانتوری ها از جمله سانتوری ۵ نسبت به فتح جهان به وسیله شریعت حضرت محمد(ص) به غرب و تمدن غربی هشدار می دهد و به جهانیان اعلام می کند که روزی مسلمانان به رهبری ایران و تمدن ایرانی بر جهان مسلط خواهند شد که این بی شک در پیوند باگسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران است. (۱۶)

سطیح کاهن

کاهن به معنای غیبگو است و "سطیح کاهن" یکی از مشهورترین غیبگویان تاریخ است. وی از مردم یمن بوده و همواره بر زمین افتاده بود و میگویند ۵۰ سال عمر کرده است. (۱) مرحوم علامه مجلسی در کتاب "بحارالانوار" از کتاب مشارق الانوار تألیف حافظ رجب برسی، که از علما و محدثان شیعه است، خبری را درباره ظهور امام زمان (ع) از سطیح کاهن بدین مضمون نقل نموده است: ذاجدن پادشاه برای استفسار از موضوعی که در آن تردید داشت به دنبال سطیح کامن فرستاد. چون سطیح آمد خواست او را امتحان کند، لذا یک دینار در کفش خود پنهان کرد و آن گاه به وی اجازه داد که داخل شود. چون وارد شد، شاه گفت: ای سطیح برای تو چه پنهان کرده ام سطیح گفت: در کفش خود یک دینار پنهان کرده ای شاه پرسید: این را از کجا دانستی؟ سطیح گفت: از یک نفر جن که مانند برادر، همه جا با من همراه است. شاه گفت: ای سطیح از آن چه در روزگاران پدید می آید مرا مطلع گردان سطیح گفت: هنگامی که نیکان از میان بروند و اشرار به جاه و مقام برسند، و مقدرات الهی را تکذیب نمایند، و اموال را به سختی حمل کنند... و اختلاف کلمه پدید آید... ستارهء دنباله داری که عرب را پریشان کند، طلوع نماید. در آن هنگام، باران نبارد و رودها خشک شود و اوضاع روزگار دگرگون گردد... آن گاه مردی از اولاد صخر (۲) خروج میکند و پرچم های سیاه را به پرچم های سرخ تبدیل می نماید و محرمات را مباح میگرداند... در آن موقع مهدی فرزند پیغمبر ظاهر می شود و این در وقتی است که مظلومی در مدینه و پسر عموی وی در خانه خداکشته شود... او حق را به اهل حق برگرداند و میهمانی را در میان مردم افزون گرداد و با عدالت خوی غبار ضلالت را از میان ببرد

پیشگویی های واقع شده

برخی از حوادثی که احادیث، پیشاپیش از رخ دادن آن ها پیش از ظهور خبر داده اند و وقوعشان در کتب تاریخی پس از گذشت سال ها به ثبت رسیده. پیشگویی های مطابق واقع ایشان از این قرار است:

پیشگویی اول و دوم: انحراف و فساد بنی عباس، پیامبر(ص) و ائمه (ع) درباره ویژگی های حکومت بنی عباس از جهت منحرف شدن آن ها به سمت فساد و خروج شان از مسیر حق خبر داده اند. به خوبی می دانیم که دولت بنی عباس چه بر سر ائمه (ع) و دیگر فرزندان رسول اکرم (ص) در طول تاریخ آوردند و چه آوارگی ها، تعقیب ها و دستگیر شدن ها و ستم هایی را از آن ها چشیدند که مشهورتر از

آن است که این روزما بخواهیم آن را به نگارش درآوریم. امام باقر(ع) طی حدیثی می فرماید: ... سپس بنی عباس به سلطنت می رسند و همواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشی ها خواهند بود، تا اینکه در میان آن ها اختلاف می افتد و پس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را از کف می دهند. (۱)

لازم است به یاد داشته باشیم امام باقر (ع) پس از زوال سلسله بنی امیه به شهادت رسیدند

و ۱۸ سال بعد حکومت عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند. (۲)

پیشگویی سوم : اختلاف اهل مشرق و مغرب (۳) در ادامه حدیثی که از امام باقر(ع) نقل کردیم حضرت فرمودند: و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می شوند. (۴) که نمونه های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می توان یافت: مانند اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین مرزهای کشورهای اسلامی که این مسأله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می کردند. و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی. یا اینکه در شمال آفریقا غرب دولت فاطمیون را تأسیس کردند. در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود، جدا شده بودند .

شاید هم منظور چیزی است که در عصر کنونی از زمان جنگ جهانی دوم تا الان - شاهدش هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته اند به طوری که یکی مدعی زعامت جمهوری ها در مشرق است و دیگری خود را فرمانروای غرب می شمرد. به هر حال اختلاف را به هر کدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم این اختلاف میان شرق و غرب از جمله نشانه های ظهور است و همواره شاهدش بوده ایم. این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ آن هم پس از بیان آن حضرت (ع) و نقل محدثین در منابع شان، خود بهترین دلیل بر صدق صدور آن از معصوم (ع) است.

پیشگویی چهارم : انحراف جامعه اسلامی پیامبر اکرم (ص) بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس از خویش خبر داده اند که از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده که حضرت ضمن صحبت های شان از معراج، این مطالب را از جمله علایم ظهور برشمرده اند: کافران، فرمانروای مردم می شوند و فاجران ستمکاران سرپرست، و ظالمان هم آنان را یاری می کنند و فاسقان هم مشاوران آن ها می شوند. در چنین زمانی سه خسف فرو رفتن پیش می آید: در مشرق، مغرب و جزیره العرب، بصره را هم یکی از نوادگان تو که زنگی ها از او پیروی می کنند خراب می کند. (۵)

و در حدیث دیگری چنین می فرمایند: ... و پس از من، رهبرانی خواهند آمد که به هدایت من هدایت نگردند از طریق من که هدایت است پیروی نمی کنند و به سنت من هم رفتار نمی کنند، از میان آن ها مردانی قیام خواهند کرد که قلب های شان قلب شیطان است در کالبد انسان .

این همان مسأله ای است که پس از رسول اکرم اسلام (ص) رخ داد و حکومت بر اساس مصلحت ها و یا به طور موررثی دست به دست شد.

پیشگویی پنجم : شورش صاحب زنج ، جریان صاحب الزنج وقومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بود که در سال ۲۵۵ ق مصادف با میلاد حضرت مهدی (ع) قیام کرد. نامش علی بن محمد بود وعلی رقم اینکه از حیث عقاید وتفکرات با اهل بیت (ع)اختلاف داشت، گمان می کردکه از علویان است .طی مدت ۱۵ سال در جامعه چنان فسادى به راه انداخته بودکه نهایتاً در سال ۲۷۰ ق دستش را به قتل عام مردم آلوده کرد .علاوه بر انتساب خویش به علویان عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می کرد این بود به طور اساسی به کارگران وطبقه زحمتکش جامعه، خصوصاً بندگان وغلامان تحت سرپرستی دیگران نظرداشت واز این جهت بود که به وی صاحب الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند. فساد زیادی در جامعه به پا کرد ودولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت وساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل وغارت و سرگردانی مردم تحت فشار قرار داد. این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث وگوینده آن می باشد.

پیشگویی ششم : ظهور علم در شهر قم ،از جمله این احادیث، این مورد است که از امام صادق (ع)روایت شده که فرمودند: کوفه از حضور مؤمنین خالی خواهد شد و علم از آن رخت برمی بندد، همانند ماری که به سوراخ لانه خویش خزیده باشد. سپس در شهری که به آن قم می گویند نمایان می شود و آن جا معدن علم وفضل می گردد، به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی ماند حتی عروسان حجله نشین که این جریان نزدیک ظهور قائم (ع) می باشد. (۶)

این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است وعظمت امامان (ع) را زمانی متوجه می شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالی خبر می دهندکه حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود وساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند وپس از گذشت قریب ۱۲۰۰ سال مرکز مطالعات وشهر علم شیعه گشت.

پیشگویی های کتاب مقدس

در سال های اخیر، جهان مسیحیت شاهد بروز وظهور موجی فزاینده از توجه به پیشگویی ها کتاب مقدس درباره آخر الزمان بوده است. موجی که در آستانه سال ۲۰۰۰م و پایان هزاره دوم میلادی به اوج خود رسید. در این سال ها در نشریات غربی وپایگاه های اینترنتی مقالات فراوانی منتشر شده که درآن ها پیشگوئی های کتاب مقدس با رویدادهای عصر حاضر تطبیق داده شده و از حوادث مختلف سیاسی اجتماعی وزیست محیطی که در سال های اخیر در جهان رخ داد . یا در حال رخ دادن است ، به عنوان نشانه های آخر الزمان با بیان دنیا یاد شده است.

با اذعان به این مطلب که برخی از این مقالات با اهداف تبلیغی و تبشیری مسیحیان در جهان هماهنگی و همسویی دارد و با نگاهی که امروز در میان مسیحیان درباره حوادث آخرالزمان وجود دارد. خلاصه یکی از این مقالات را می آوریم (۱)

در خلال اعصار و قرون شماری از معلمان روحانی و غیبگویان، بصیرت خاصی نسبت به آینده دریافت کرده اند. یکی از عمیق ترین این بصیرت ها نسبت به آن چه اتفاق خواهد افتاد ۲۰۰۰ سال پیش، در دامنه کوهی خارج از اورشلیم اعطا شد. گروه کوچکی از حقیقت جوین در گرد معلمشان، عیسی ناصری، جمع شده بودند. سؤالی که از او پرسیدند، جوابی را در پی داشت که سال ها و قرن ها، تا این زمان که ما در آن زندگی می کنیم، ادامه دارد: و همانطور که او عیسی (ع) بر فراز کوه زیتون ها نشست، حواریون به سوی او آمدند، گفتند: به ما بگو نشانه های آمدن تو و پایان دنیا چه خواهد بود؟ "

عیسی (ع) با شماری از مشخصات جوابشان، را داد تا مراقب باشند.

عبارت پایان دنیا که در این جا به کار رفته به معنای پایان عمر کره زمین نیست، بلکه منظور پایان سلطه غیر انسانی بشر بر روی زمین است. اگر چه بسیاری از نشانه هایی که او داد، قرن ها گریبانگیر دنیا بوده اما جالب توجه آن است که شدت و کثرت این نشانه ها اکنون افزایش یافته است:

۱. افزایش جنگها: از جنگ ها خواهید شنید و شایعات جنگ ها زیرا ملتی علیه ملتی بر خواهد خاست، و مملکتی علیه مملکت دیگر. هیچ مقطعی از تاریخ مانند قرن بیستم، شاهد افزایش تعداد جنگ ها نبوده است.

طبق برآورد صلیب سرخ جهانی، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در جنگ هایی که از آغاز این قرن به وقوع پیوسته است جان خود را از دست داده اند.

از جنگ جهانی دوم تاکنون، بیش از ۱۵۰ جنگ عمده و صدها شورش مسلحانه و انقلاب رخ داده است. از پایان جنگ جهانی دوم، ارقام کشته ها در نزاع های مسلحانه، بیش از ۲۳ میلیون نفر است.

طبق گزارش واشنگتن پست: جنگ های قرن بیستم، جنگ های تمام عیاری علیه جنگجویان و غیر نظامیان بوده است... در حالی که در قیاس با آن، جنگ های وحشیانه قرون پیشین مانند جنگ های خیابانی بوده است.

۳. گسترش خشکسالی: و نیز خشکسالی خواهد بود. اواخر سال ۱۹۹۶، بانک جهانی گزارش کرد که روزانه بیش از ۸۰۰ میلیون

نفرگرسنه در جهان به سر می برند و بیش از ۵۰۰ میلیون کودک، غذای کافی برای رشد روانی و جسمانی دریافت نمی کنند. معاون

بانک جهانی میگوید: روزانه حدود ۴۰ هزار نفر در جهان، بر اثر گرسنگی میمیرند که غالباً در مناطق روستایی رخ میدهد.

۴. شیوع بیماری های مهلک : و نیز بیماری های مهلک خواهد بود. کمتر از ۲۰ سال پیش، حرفه پزشکی مدعی بود که بر بسیاری از بیماری های باکتریایی و ویروسی فائق آمده است، اما امروزه مواردی از بیماری های عفونی بیداد کرده است. خبرگزاری آسوشیتد پرس گزارش می دهد: ظهور انواع باکتری هایی که نمی توان با آنتی بیوتیک های فعلی آن ها را از بین برد، می تواند خود تبدیل به تهدیدی علیه سلامت عمومی و بدتر از بیماری ایدز شود. بیماری هایی که اخیراً گمان می رفت بر آن ها فائق آمده باشند، رفته رفته مهارنشده می شوند ... دانشمندان انتظار چیزی کمتر از یک فاجعه پزشکی ندارند.

UNAIDS برنامه مشترک سازمان ملل علیه ویروس ایدز، در گزارش پایان سال خود در دسامبر ۱۹۹۶، عنوان کرد که در آن سال، ۱/۳ میلیون مورد جدید از آلودگی به ویروس اچ. آی. وی. در تمام دنیا رخ داده است. در سال ۱۹۹۶، یک و نیم میلیون نفر از بیماری ایدز مردند که مجموع کسانی که تا کنون در ارتباط با این بیماری مرده اند به ۶/۴ میلیون نفر می رسد. بر اساس همین نوشتار، افزون بر ۲۳ میلیون نفر مبتلا به ویروس اچ. آی. وی یا بیماری ایدز، اکنون در تمام دنیا زندگی می کنند این آمار وارقا م به خوبی می رساند که از سال ۱۹۸۱ که این بیماری برای اولین شناسایی شد تا کنون بالغ بر ۳۰ میلیون نفر به آن مبتلا شده اند. سازمان بهداشت جهانی می گوید: در تمام دنیا روزانه بیش از ۶۰۰۰ نفر به این بیماری مبتلا می شوند و این سرایت روز به روز بدتر می شود.

۴. فراوانی زمین لرزه: در جاهای متعدد زمین لرزه خواهد بود. سالنمای جهانی به ما می گوید که بین سال های ۱۰۰۰ و ۱۸۰۰ میلادی، تنها ۲۱ زمین لرزه عمده وجود داشت. اما بین سال های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ تعداد آن ۱۸ واقعه بود. بین سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، ۳۳ زمین لرزه بزرگ به وقوع پیوست تقریباً به اندازه: آن چه در طی ۱۸۵۰ سال گذشته رخ داده است بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱، ۹۳ زمین لرزه بزرگ اتفاق افتاد تقریباً سه برابر تعداد آن در نیم قرن گذشته، و ۱/۳ میلیون نفر از مردم را در سراسر جهان به کام مرگ فرستاد. بسیاری از دانشمندان هشدار می دهند که ما در حال حاضر به دوره ای از بلایای زمین لرزه ای وارد می شویم.

۵. گسترش خشونت : یکی دیگر از شرایطی که به گفته عیسی (ع) درست در زمان پیش از بازگشتش رواج خواهد داشت، خشونت وحشیانه است: همانطور که در ایام دوره نوح بوده در زمان آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. در ایام دوره نوح زمین در برابر خداوند فاسد و پر از خشونت بود، روزنامه های امرز پر از تیتیرهای از ماجراهای غم انگیزی از خشونت های بی رحمانه است. امروزه میزان آدم کش و خود کشی و قتل در آمریکا، تقریباً به اندازه مجموع کشته شدگان آمریکایی در طول جنگ ویتنام است. تنها در ۳۰ سال گذشته، خود کشی و قتل جان بیش از یک میلیون و دویست هزار آمریکا یی یعنی بیش از تمام مردانی را که در کل جنگ های تاریخ آمریکا کشته شده اند، گرفته است.

۶. ابلاغ مژده انجیل : سرانجام وقتی به گوش همه مردم جهان رسید وهمه از آن باخبر شدند . آن گاه دنیا به آخر خواهد رسید بر خلاف رشد غم انگیز جنگها، خشکسالی، طاعون وزمین لرزه هایی که به گفته عیسی، آغاز غم ها است ، ، ابلاغ موعظه انجیل به تمام ملت ها، نشانه ای ویژه برای زمانی است که دنیا حقیقتاً به پایان خود برسد.

هیچ گاه در طول تاریخ مانند الان انجیل در سراسر دنیا و برای کل ملت ها خوانده نشده بود اگر چه مستقیماً به وسیله مبلغان مسیحیت انجام نمی گیرد، اما با وسایل ارتباط جمعی نوین از قبیل : رادیو، تلویزیون و ارتباطات راه دور انجام می گیرد. طبق سالنامه جهان مسیحیت، پیام انجیل هم اکنون برای چهار میلیارد نفر یعنی عملاً برای تمام کشورها موعظه شده است. آنگاه پایان فرا خواهد رسید.

۷. افزایش مسافرت ها : بسیاری به جلو و عقب خواهند دوید حوالی ۵۳۴ بیش از میلاد مسیح خداوند به پیامبرش دانیال گفت: در آخر زمان بسیاری به جلو و عقب خواهند دوید ودانش زیاد خواهد شد. عبارات بسیاری به جلو و عقب می روند، به لحاظ لغوی یعنی : به سرعت در اطراف در تکاپو هستند یا به قول لیوینگ بایبل: مسافرت ها افزایش خواهد یافت. در نظر بگیریید وسایل حمل ونقل مردم هزاران سال بود که تغییر اساسی نکرده بود، با این نگرش اهمیت این پیشگویی آشکار می شود.

امروزه می توانند ظرف ۲۳ ساعت دور دنیا را طی کنند فضا پیما قادر است در ۸۰ دقیقه کره زمین را دور بزند تعداد مردمی که امروزه اقدام به سفر می کنند، بی سابقه است. به گفته متخصصان اقتصادی، مسافرت و گردشگری، امروزه بزرگترین و پیرانرژی ترین صنعت در دنیاست.

۸. فزونی دانش : دانش زیاد خواهد شد افزایش دانش در سال های اخیر، تقریباً خارج از تصور ماست واژه بار سنگین اطلاعات برای نسل ما وضع شده است.

هم اکنون روزانه، معادل بیش از ۳۰۰ میلیون صفحه از اطلاعات، به شبکه اینترنت فرستاده می شود . هم اکنون هشتاد درصد از کل دانشمندان بشریت، در قید حیات هستند ودر هر دقیقه ۲۰۰۰ صفحه به علوم بشر اضافه می کنند. حدوداً نیمی از دانش پزشکی، هر ده سال یک بار منسوخ شده از دور خارج می شود .

فناوری رایانه، انفجار دانشی را که در زیر بار آن قرار داریم ترسیم می کند. در سال ۱۹۴۸، ترانزیستور یا واحد ساختمانی اصلی رایانه ها، در آزمایشگاه های بل ابداع شد. در سال ۲۰۰۰، هر تراشه پردازشگر، شامل میلیارد ترانزیستور خواهد بود .

۹. ظهور ضد مسیح : ضد مسیح می آید نشانه با اهمیت وپایانی آخر زمان که چندین فصل انجیل به آن اختصاص یافته است، ظهور حکومت واحد جهانی به سرکردگی یک مستبد اهریمنی، موسوم به ضد مسیح یا جانور است.

به گفته کتاب مکاشفه، تمام دنیا، شیطان را در قالب این رهبر حیوان منش جهانی پرستش خواهد کرد. به گفته انجیل، پیمان یا موافقت نامه صلح ابتکارآمیزی به مدت هفت سال، نقشی محوری در ادعای ضد مسیح در رهبری جهان دارد. این توافقنامه، بحران خاورمیانه را موقتاً با صلحی میان اسرائیل و کشورهای عرب همسایه، حل خواهد کرد.

کوه موریاه در اورشلیم بیت المقدس که زمانی معبد یهودیان در آن قرار داشت و همانجا که قبه الصخره مسلمانان هم اکنون وجود دارد، نقطه کانونی خواهد بود. سه سال ونیم پس از وضع پیمان، ضد مسیح آن را لغو خواهد کرد. آنگاه بیت المقدس را پایتخت بین المللی خود خواهد نمود و غیر از پرستش خود و تصویر عرفانی اش، تمام ادیان را ممنوع خواهد کرد. این تصویر به طریقی نیرو می گیرد تا هم صحبت کند و هم سبب کشته شدن کسانی شود که از پرستش او سرباز می زنند. عیسی گفت این هنگام، زمان غیبت بزرگ است، آن چنان که از زمان پیدایش جهان وجود نداشته است.

۱۰. پیدایش نشانه جانور: و موجب می شود تا همگان نشانی بر روی دست راست یا روی پیشانی شان دریافت دارند، به طوری که هیچ کس نمی تواند بخرد یا بفروشد مگر کسی که نشان یا نام جانور، یا شماره اسم او را داشته باشد... شماره او ۶۶۶ است. این پیشگویی مطلبی را توصیف می کند که تا پیش از این هیچ گاه امکان پذیر نبود. دو هزار سال پیش، یوحنا ی حواری، ماهی گیری ساده، پیشگویی کرد که روزگاری، نظام اقتصادی جهانی ای ظهور خواهد کرد که هر کس در لوای آن مجبور است شماره ای دریافت کند و بدون آن قادر به خرید و فروش نخواهد بود. تنها از زمان پیدایش رایانه ها و بانکداری الکترونیکی، چنین اتفاقی، امکان رخ دادن داشته است.

۱۱. ظهور ثانوی مسیح، بلا فاصله پس از مصیبت بزرگ آن ها پسرانسان را خواهند دید که در میان ابرهای آسمان، با قدرت و شکوهی خیره کننده می آید و او برگزیدگان خود را گرد هم خواهد آورد.

تیره ترین ساعت دنیا به ناگاه با طلوع سپیده دم روز روشنی که عیسی مسیح باز می گردد، پایان می یابد. تمام کسانی که به او تعلق دارند، به طور معجزه آسایی به بدن های مافوق طبیعی تبدیل شده، از آزار دهندگان ضد مسیح خود، رهایی می یابند و به تماشایی ترین جشن پیروزی ای که تا به حال برگزار شده است، به شام ازدواج بره در بهشت، انتقال خواهند یافت در آن زمان خشم خوفناک خداوند بر ضد مسیح و پیروان اهریمنی او خواهد افتاد و منجر به بازگشت عیسی به زمین می شود تا امپراتوری واحد جهانی آن ها را در مواجهه ای بهت انگیز، موسوم به نبرد آرماگدون، شکستی تمام عیار داده، نابود سازد.

این چنین، حکمرانی بی رحمانه انسان بر روی زمین، پایان می پذیرد و عیسی و نیروهای مافوق بشری، دنیا را در اختیار گرفته وبا عشق بر آن سلطنت و حکومت خواهند کرد. بدین ترتیب دوره ای موسوم به هزاره، یا هزار سال صلح و فراوانی و بهشت، برای همگان آغاز خواهد شد.

آخر الزمان

آخرالزمان اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت.

در فرهنگ اسلامی، آخر الزمان، هم دوران نبوت پیامبر اکرم (ص)، تا وقوع قیامت را شامل می شود و هم دوران غیبت و ظهور مهدی موعود(ع) را در دوران معاصر، عده ای از مفسران و متفکران مسلمان از قبیل: مرحوم علامه طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری، سید قطب، محمد رشید رضا، شهید سید محمدباقر صدر و... با اتکا به آیاتی از قرآن کریم اعراف: ۱۳۸، انبیاء: ۱۰۵، صافات: ۱۷۱ و ۱۷۲ استخلاف انسان در زمین، فرمانروا شدن نیکوکاران زمین وراثت صالحان و پیروزی حق بر باطل را به رقم جولان دائمی باطل، به عنوان سرنوشت آینده بشر مطرح کرده اند و آیات و روایات مربوط به تحولات آخر الزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ می دانند و به اعتقاد ایشان، عصر آخر الزمان عبارت است از دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان.

چنین آینده ای امری است محتوم که مسلمانان باید انتظار آن را داشته باشند و نباید منفعل و دلسرد به حوادث واقعه بنگرند، بلکه با حالتی پر نشاط و خواهان صلاح جامعه انسانی و آگاه از تحقق اهداف تاریخی انتظار، باید سرشار از امید، آمادگی و کوشش درخور این انتظار مقدس باشند.

در چارچوب این برداشت، آخر الزمان قطعه معینی از تاریخ نوع انسان است که او باید در آن، حرکت تکاملی تدریجی خود را تا تحقق وعده الهی ادامه دهد. در حالی که در کتب علماء متقدم همچون "کمال الدین" رحمه الله الغیبه شیخ طوسی رحمه الله چنین تفسیری از تاریخ نبوده و تحولات آخر الزمان امری است غیر عادی که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می گردد و به تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط نمی شود.

شناخت آخر الزمان یا فرجام شناسی (Eschetologie) در ادیان یهود، مسیحیت و زرتشتی نیز حائز اهمیت است. نگاهی به دردها و آلام بشر اندیشمند امروز و قربت او در زوال فطرت پاک آدمی، چنین می نمایاند که در میان همه خواسته های ضد و نقیضش، امروز یکی هست که همه در آن مشترکند همه اقوام و ملل یکصدا خواهان آزادی اند. (۱)

در احادیث بسیاری آمده است که حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان ظاهر می شود. پیامبر اکرم (ص) بر فراز منبر فرمود: مهدی از عترت و اهل بیت من است. او در آخرالزمان ظهور می کند. (۲)

و نیز فرمود: مژده باد شما را به ظهور مهدی که او در آخرالزمان به هنگام سختی روزگار و فتنه و اختلاف و عدم امنیت می آید و خداوند به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل می نماید. (۳)

امام باقر(ع) نیز می فرماید: دولت ما آخرین دولت هاست... (۴)

پیامبر(ص) دست ها را بهسوی آسمان برافراشت و گفت: خداوندا برادرانم را به من بنمایان. یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می آیند و به من ندیده ایمان می آورند. خداوند آن ها را پیش از آن که از صلب پدران به رحم مادران درآیند، با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آن ها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک، و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آن ها مشعل های هدایت هستند که خداوند آن ها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد. (۵)

درباره فتن و حوادث آخرالزمان، احادیث بی شماری از حضرت ختمی مرتبت و حضرات ائمه (ع) در کتب حدیث به ثبت رسیده است. مجموعه هایی از آن احادیث، به صورت کتب مستقلی به نام ملاحم، الغیبه و دیگر نام ها نگاشته شده است. روایات معصومین (ع) نشان می دهد:

۱. با سپری شدن این دوران، بساط زندگی دنیوی برچیده و مرحله ای جدید در نظام آفرینش آغاز می شود.

۲. آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می شود: دوران نخست که در آن انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می رسد دوران بعد، عصر تحقق وعده های الهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح جهانی آغاز می شود. کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقه های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است، ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی (ع) و نیز هویت او اختلاف نظر وجود دارد.

پیشگویی نوستر آداموس در مورد ۱۱ سپتامبر

آسمان در چهل و پنج درجه میسوزد!

آتش به شهر جدید و بزرگ نزدیک میشود!

به طور ناگهانی آتش بزرگ و پراکنده شعله ور میشود!

رباعی ۹۷ قرن ۶

(نیویورک بین مدار چهل و چهل و پنج درجه در آمریکاست)

البته ۴ رباعی دیگر نیز در مورد این حادثه وجود دارد

شب هنگام در حالی که تنها در اتاق مطالعه ام نشستیم . وسیله پیش بینی من بر روی سک سه پایه برنجی قرار گرفته است. شعله‌ای کم سو از اعماق تاریکی و پوچی بیرون می‌آید و چیزهایی را به من روشن می‌کند که نباید به غفلت گرفته شوند و پوچ فرض شوند.

C1 Q1

حتما شما نام نوستر آداموس را شنیده‌اید! وی یکی از استادان هنر پیشگویی میشل دو نوستر دام معروف به نوسترا آداموس بود. وی در سال ۱۵۰۳ در جنوب فرانسه به دنیا آمد. میشل در ۱۴ سالگی فلسفه و دستور زبان و علوم طبیعی را تحت نظر کلیسا شروع به خواندن نمود. میشل در سال ۱۵۲۲ برای مطالعه طب به دانشگاه مونت پلی یلر فرستاده شد و در سال ۱۵۲۵ مدرک پزشکی خود را دریافت کرد. در قرت شانزدهم در جنوب فرانسه بیماری مزمنی به نام le charbon شایع بود و نوستر آداموس مدتها بیمارانی را که به این بیماری مبتلا بودند در روستاها شفا میداد. اما در سال ۱۵۳۷ این بیماری همسر و فرزند وی را مبتلا کرد و وی نتوانست برای نجات آنها اقدامی کند و هر دو فوت کردند. در همین زمان مسئله برای وی پیش آمدند که به کلیسا احضار شد. از قرار معلوم وی به مجسمه سازی هگامی که مجسمه قدیسی را می‌ساخته به شوخی گفته بود وی در حال ساخت مجسمه شیاطین است.

نوستر آداموس از Agen در تاریکی گریخت و به شرق ایتالیا رفت. وی پس از جابجای هایی فراوان در شهر salon سکنی گزید. او همان طوری که در بالا نوشته شده است. با تمرکز روی شعله شمع به خلسه‌ای عمیق فرو می‌رفت و تصاویر آینده را در ظرف برنجی می‌دید. وی سرانجام در سال ۱۵۵۵ با مقدمه ای که در آن این کتب به سزار پسرش هدیه شده بود ۱۰ جلد از پیش گوییهایش را که به در مجموع ۱۰۰ رباعی بود در ۱۰ جلد به نام Century (قرن) منتشر کرد.

عکس العمل انجام شده نسبت به کتابهای قرن نوستر آداموس بسیار شدید بود. افراد مودب جامعه او را یک نابغه و کابانهای مزرعه دار او را ایزار شیطان نامیدند و اشعار او را سخنانی برآمده از جهنم تلقی کردند. اشعار نوستر آداموس ترکیبی از کلمات رمز گونه به زبان‌های لاتین ، یونانی ، ایتالیایی و پروونشال فرانسوی بود.

ملکه کاترین دومدیسی Catnarine de, medici خواننده پر و پا قرص کتابهای وی بود . و وی در لوای ملکه توانست به کارهای خود ادامه دهد. یک روز گروهی از کابانها نوستر آداموس را را به سوی انتهای خیابانهای سالن دنبال کردند و او را تهدید نمودند. او فریاد زد ((دور شوید ای اراذل ، شما هرگز پای کثیفتان را بر روی گلوی من نخواهید گذاشت چه زنده چه مرده)) در سال ۱۵۶۶ که وی فوت کرد به همسرش وصیت کرد که جسد وی را به صورت ایستاده در دیوار کلیسالی متعلق به کوردلیرها قرار دهند. شایعه ای در قرون بعد پخش شد که در داخل تابوت وی سندی وجود دارد که تمام پیشگویی های او را از حالت رمز خارج خواهند

ساخت. در سال ۱۷۰۰ پیشکسوتان شهر تصمیمی گرفتند تا جسد تماشایی وی را به یکی دیگر از دیوارهای کلیسا که بیشتر در معرض دید بود منتقل کنند و در همین بین نگاهی هم به درون تابوت وی بیندازند. در تابوت هیچ مدرکی دیده نشد جز مدالی که بر روی سینه نوستر آداموس وجود داشت و بر روی آن عدد ۱۷۰۰ حک شده بود. آنها تابوت را در محل جدید قرار دادند و تا ۹۱ سال محل آن عوض نشد.

در سال ۱۷۹۱ در خلال انقلاب فرانسه گروهی از نگهبانهای ملی شهر ماری در حالی که مست کرده بودند. به دنبال پول و اشیاء قیمتی وارد کلیسا شدند. به زودی سنگهای هشت فوتی روی تابوت نوستر آداموس را در آوردند. شهردار شهر به خاطر آشوب و هیاهو خبر شد و بلافاصله به محل رفت. و به صحنه ای دهشت بار روبه رو شد که در آن یکی از نگهبانان از جمجمه نوستر آداموس شراب مینوشد چون مردم روستایی او را تشویق کردند که با این کار قدرت پیشگویی نوستر به او منتقل خواهد شد. شهردار آنان را متقاعد کرد که استخوانها را پس بدهند و دوباره وارد تابوت کرد.

فردا صبح این گروه نگهبانان هنگام برگشت به ماری مورد کمین سلطنت طلبان قرار گرفتند و سربازی که از جمجمه شراب نوشیده بود مورد اصابت گلوله شخص ناشناسی که کمین کرده بود قرار گرفت. درست همان گونه که خود نوستر آداموس پیشگویی کرده بود. مردی که قبر را باز می کند و فوراً نمی بندد، شیطان به سراغش خواهد آمد، مصیبتی که هیچکس نمیتواند آن را اثبات کند. C9 Q7 نکته ای که در اشعار میشل دو نوستر دام وجود دارد این است که بسیاری از آنها جنبه ایهام دارند و به همین دلیل هر کس هر برداشتی که از آنها دارد بیان می کند.

به عنوان نمونه نوستر آداموس در اشعارش اشاره به چهره مردی می کند با صورتی تراشیده که سعی میکند در شرق دست به فتوحاتی بزند که براساس پیشگویی وی تا حدودی در کارش موفق می شود اما بعد از مدتی شکست خورده و نابود می شود. با این توصیفات شما چند چهره در تاریخ می یابید؟! بسیار زیاد ، مثلاً ناپلئون و یا چارلز دوازدهم امپراتور سوئد و یا هیتلر ، البته گوبلز (وزیر تبلیغات نازی ها) معتقد بود این توصیف مربوط به چرچیل است!!

و یا اینکه او در پیشگویی هایش از کشوری با نشان عقاب روی پرچم صحبت می کند. ممکن است منظورش یکی از کشورهای آمریکا، پروس، روسیه ، اتریش ، اسپانیا ، آلمان ، مکزیک ، آلبانی ، فنلاند که همه و همه در طول تاریخ بروی پرچم کشورشان تصاویری از عقاب داشته اند، باشد و یا اینکه او در مورد تصویر شیر روی پرچم صحبت کرده، که اتفاقاً بسیاری از پیشگویی هایش هم در مورد این پرچم است، ممکن است منظور او انگلستان ، هلند ، سوئد و یا حتی ایران باشد!

در اینجا ۲ تا از پیشگویی‌های معروف او را در قطعیت آنها تردیدی نیست را بیان می‌کنم.

اول مربوط به نحوه مرگ هانری دوم است. او در تابستان ۱۵۹۹ در یک دوئل با شوالیه اهل ولز به نام مونگومری توسط ضربه نیزه به کلاهخودش که منجر به کور شدن و مرگ او شد، به قتل رسید. نوستر آداموس پیشگویی کرده بود که پادشاه در یک دوئل در یک قفس طلائی (کلاهخود او) کور می‌شود.

و دوم، پیشگویی بسیار جالب مرگ دوک مونمورانسی بود:

زنبق "دوفن" وارد "نانسی" می‌شود

و به حمایت امپراتور "الکتور" تا "فلاندر" می‌رود

برای "مونمورانسی" کبیر در آنجا زندانی بزرگ وجود دارد

جایی که او به آنجا فرستاده می‌شود تا به طرز غیرعادی مجازات گردد.

نوستر آداموس در این شعر ۲ واقعه را پیشگویی کرده که نمی‌توان آن را یک تصادف معمولی دانست اما باید جای دو نیمه شعر را

عوض کرد چون قسمت دوم پیشگویی‌های وی یکسال زودتر از اولی رخ داد.

در سال ۱۶۳۳ لویی هشتم، که ملقب به دوفن بود، به شهر نانسی حمله کرد و آنجا را اشغال نمود. روی پرچم لویی، نشان گل زنبق بود. بعداً او با حمایت امپراتور الکتور تا فلاندر پیش رفت و آنجا را نیز به تصرف خود درآورد.

در سال ۱۶۳۲، دوک دومونمورانسی علیه لویی شورش کرد اما این شورش سرکوب شد و لویی او را دستگیر کرد و به زندان تازه‌سازی در شهر تولوز فرستاد تا در زمان اجرای مجازات در آنجا بماند.

مجازات وی، اعدام بود. اما در آن زمان او را باید در میان مردم گردن می‌زدند اما برای جلوگیری از شورش طرفدارنش او را در زندان، مکان غیرعادی، گردن زدند. نکته عجیب تر اینکه که جلادی که او را گردن زد کلرین نام داشت که نوستر آداموس در پیشگویی از این واژه که به معنای "مکان استثنائی است" نام برده.

در سال ۱۹۳۴، تومانس منز Thomas Mens، پیشگوی اسپانیایی، اعلام کرد که دولفوس، صدراعظم اتریش، در طی سه ماه آینده کشته خواهد شد. در خلال تابستان آن سال که نازیها در تلاش قبضه کردن قدرت در اتریش بودند. تعدادی از آنها برای ملاقات

با دولفوس به کابینه وزراء آمدند و او را ترور کردند. این اتفاق در ۲۵ جولای، فقط دو ماه و دو روز پس از آن پیشگویی رخ داد.

** آلن هشتر، یک انگلیسی که به طور مداوم اخطارهای درونی دریافت می‌کرد، می‌گوید: ((اغلب اخطارهای درونی در حین کار به

سراغم می‌آید، شاید علت آن الکتریسیته زیادی است که در قسمت اپراتوری تلفنخانه وجود دارد. با این حال شبها نیز وقتی هوا صاف

است و یا بعد از یک لیوان شراب هم ، این اختارها به سراغم می آیند. معمولا اختارهای درونی من با سردرد همراه است، مانند یک نوار فولادی دور سرم را می گیرد و اما وقتی این اختارها را به رشته تحریر در می آورم سردرد کاهش پیدا می کند. وقتی روند یک اختار درونی به پایان می رسد آرامش عمیقی به من دست می دهد. گویی چیزی در درون من زندانی بوده و اینک رها شده است.

** عجیب ترین اختار آن هشتر که در مطبوعات انگلیس هم به چاپ رسید مربوط به یک سانحه هوایی است . به او در یک شب الهام شد که هواپیمایی با ۱۴۲ قربانی سقوط می کند. صحنه ای که دیده بود با مجسمه هایی در اطراف کلیسایی همراه بود که یونان را به خاطر او آورد. او با دکتر بارکر تماس گرفت و موضوع را با او در میان گذاشت. چند هفته بعد هواپیمایی در قبرس سقوط کرد و ۱۴۲ کشته بر جای گذاشت.

** سایکومتری یا اندازه گیری روحی Psychometry نیز یکی از پدیده های جالب روحی است . سایکومتری به عبارتی توانایی لمس یک شی و کسب اطلاعات در باره صاحب آن است. این امر با این نظریه توجیه می شود که احساسات آدمی بروی لایه بیرونی هاله انسانی یا روی میدان الکترومغناطیسی موجود در بدن او اثراتی می گذارد که این اثر به متعلقات آن شخص منتقل می شود. این اثر دائمی است. اگر یک شخص حساس آن شی را لمس کند، هرچه را برای صاحب آن شی روی داده ، در ذهن خود بازسازی می کند و یا می تواند آینده و یا گذشته او را ببیند. نمونه آن وقتی است که شما با یک فرد دست می دهید بلافاصله نسبت او نظر خاصی پیدا می کنید. مثلا در مورد او مثبت یا منفی فکر می کند. در داستان فیلم Dead Zone هم این پدیده را می بینیم. در آنجا فردی بعد از یک تصادف رانندگی، به مدت ۵ سال به کما می رود و بعد از به هوش آمدن، دچار توانایی می شود که با گرفتن دست هر شخص، آینده او را پیش بینی می کند.

همه شما حتما به اختار درونی اعتقاد دارید! بعضی وقتا قبل از حادثه ای یک نیروی درونی به شما می گوید که اون اتفاق قراره بیفته !! نمونه ساده اون هم اینه که شما دارید درباره موضوعی با دوستان بحث می کنید. در بین بحث نامی هم از دوست دیگرتان می برید. چند ثانیه بعد در کمال ناباوری می بینید که آن دوست از در وارد شد. و مواردی از این قبیل . ما ایرانی ها که میگم طرف حلال زاده است. اما این یک نمونه از ادراک یا اختار درونی است

** در ۳۰ جولای ۱۹۶۳ ، رویس آتوود ویت در اتاق خواب ویلای کوچکش چرت میزد که ناگهان از خواب پرید و با عجله اتاق را ترک کرد . چند ثانیه بعد یک تیرچه بتونی سه تنی، که کارگران در آن نزدیکی مشغول بلند کردن آن بودند، سقف ویلای او را در هم کوبید.

ویت گفته بود: ((اختاری درونی به من گفت خطری در بین است))

** مردم اروپا (البته مال چند قرن پیش) معتقد بودند که فلز طلا می‌تونه که شیطان و اهریمن رو از انسان دور کنه، شاید به همین خاطر که الان در پیش خانم‌ها استفاده از زیورآلات طلا معموله . ضمنا اونا معتقد بودن که برای از بین بردن اهریمن حتما باید به قلب اون ، گلوله‌ای از طلا شلیک کنند. البته در مورد خون‌آشاما قضیه کمی فرق میکنه. برای کشتن اونها باید از گلوله نقره‌ای استفاده کرد. ** گلوله اسلحه لورور (نظیر مگنوم) خاصیت جالبی داره! شما می‌تونید بروی بروی قسمت مرمی فشنگ اون (خود گلوله) دو شیار کم عمق به شکل + ایجاد کنید. با این کار گلوله که وارد بدن فرد میشه ! چهار تکه شده و میتوان گفت قدرت تخریب اون چند برابر میشه! تیراندازها در این مواقع میگویند طرف گلوله رو کاتولیک کرده!

پیشگویان

یکی از امیال درونی بشر در تمام اعصار میل به کشف آینده و خبر از آینده بوده است. علاقه ذاتی ما به پیشگویی بی‌تردید از این امر نشات می‌گیرد. تاریخچه پیشگویی به چهار هزار سال پیش در زمان سومری‌ها می‌رسد. آنها مراسم ویژه ای برای پیشگویی و خبر از آینده داشته‌اند. در چین قدیم برای پیشگویی از آینه‌های سحر آمیز استفاده می‌کردند و در زمان من، در مصر قدیم ، وسیله پیشگویی ستارگان و یا امعاء و احشای قربانی بود. بابلی‌ها با ستارگان و فینقی‌ها با کمک تاس ، سرخپوستان با اشکال خاصی که روی زمین رسم می‌کردند و بومیان اولیه استرالیا به کمک استخوان حیوانات آینده‌خوانی می‌کردند.

شاید مشهورترین مرکز پیشگویی عصر گذشته ، معبد آپولو در دلفی است که در آن کاهنه‌ای به نام پیتیا ساکن بود که گفته می‌شد آپولو به بدن آن کاهنه حلول کرده و از طریق او خبر از آینده می‌دهد. البته روش پیشگویی او به این صورت بود که همواره پاسخ‌های کنگ و مبهم و دوپهلو به شنونده می‌داد، عملی که امروز توسط بسیاری از فالگیران و رمالان هم اجرا می‌شود. مشهورترین پیشگویی این معبد هم در مورد کروسوس Croesus آخرین پادشاه لیدی ، بود. هنگامی که او تصمیم به حمله به ایران (امپراطوری کوروش)، پیکی به معبد فرستاد تا در مورد نتیجه این حمله پیشگویی کنند. پیشگو در پاسخ پرسش امپراطور گفت: اگر این جنگ در بگیرد، امپراطوری عظیمی سقوط خواهد کرد . کروسوس هم که اعتقاد زیادی به پیشگویی داشت، دست به حمله بزرگ و سنگینی به ایران زد که شکست سختی از کوروش خورد و تعداد زیادی از سربازانش را از دست داد. پس از بازگشت او پیکی ار فرستاد تا از پیشگو بپرسد، چرا چینی استباه بزرگی کرده است. پیشگو در پاسخ گفت: من گفتم امپراطوری بزرگی سقوط می‌کند ، اما نگفتم کدام امپراطوری سقوط خواهد کرد!!!

پیشگویی در مدت ۵۰ سال در قرن ۱۹ میلادی رکود چشمگیری داشت، اما با شروع شدن قرن بیستم ، عصر غم و موسیقی و با وجود دو جنگ جهانی ، زمینه مناسبی برای فعالیت پیشگویان ایجاد کرد. پیشگویانی که آینده‌ای روشن را به مردمی که از کشته شدن

فرزندانشان در جنگ غمگین بودند ، نوید می دادند. اوج این پیشگویی ها در آلمان و در زمان فلاکت بار جمهوری وایمار (Weimar Republic 1919 – 1933) بود. مشهورترین فرد این دوران اریک یان هانوسن بود. اسم اصلی او هرمان اشتاین اشنایدر بود که خودش ادعا می کرد یک بارون دانمارکی است اما در حقیقت از اهالی پروس نیتز بود. شهرت او آنچنان در این سالها افزونی یافت که بعدها به کنت کاگلیوسترو زمان خود معروف شد. قدرت اعجاب انگیز او در جذب مخاطب و فن باینش و ابهت او مثال نزدنی بود آنچنان که به او لقب کارگاه روح را دادند. این لقب زمانی به او داده شد که پرده از اختلاس یکی بزرگترین بانکهای برلین برداشت. فرد خاطی بلافاصله بعد از دستگیری به این کار اعتراف کرد و شهرت زیادی را برای او به ارمغان آورد. زمانی او یکی از روزنامه ها را به تحمیق عوام متهم کرد، روزنامه از او به جرم افترا به دادگاه شکایت کرد. قاضی در جلسه دادگاه از او خواست تا با شعبده بازی و غیب گویی خود را تبرئه کند! او نیز خصوصی ترین اسرار زندگی تک تک اعضای هیئت منصفه را بازگو کرد و باعث شد دادگاه نهایتا به نفع او حکم دهد.

اواخر سال ۱۹۳۰ هانوسن ماهنامه را برای پیشگویی منتشر کرد و پیشگویی خود را از این طریق اعلام می کرد. از جمله خبر ورشکسته شد یکی از ۳ بانگ بزرگ آلمان که ۳ هفته بعد از انتشار خبر به وقوع پیوست و پیشگویی که در اول ژوئیه ۱۹۳۲ کرد و اعلام نمود بزودی رودی از خون در نزدیکی هامبورگ جاری می شود که پس از چند روز ضد و خوردی در همان محل بین ارتش سرخ و نازیها به وجود آمد که ۱۹ کشته و ۲۸۵ زخمی داشت و همچنین شهرت زیادی را برای هانوسن

هانوسن با افزایش شهرتش ، دامنه فعالیتهايش را هم گسترده تر کرد. او در یک کشتی در دریاچه وانسی زندگی می کرد و ویلایی مجلل در حومه شهر شارلوتن بورگ برای پذیرایی از مشتریان ساختن بود. مشتریان او از همه جنس افرادی بودند. از تجار تا سیاستمداران، از اشراف تا ورزشکاران و .. که از او کمک می گرفتند تا آینده جهان را برای آنها پیشگویی کند. اما در بین آنها افرادی وجود داشت که کم کم جزء پیروان و دوستان او شدند. از جمله کارل ارنست که سابقا یک کوکائین فروش خرده پا بود و در آن موقع، مسئولیت گروهی از سربازان نجات شهر برلین را بر عهده داشت و مرد دیگری به نام کنت فون هلدروف، که رهبری سپاه امنیت شهری بر عهده او بود.

اطلاعات هانوسن در اغلب موارد از مشتریان بدست می آمد. او در گفتگو با یک مشتری از اطلاعات خصوصی فرد دیگر اطلاع پیدا می کرد. منبع دیگر او دوستان او (از جمله دو فرد) بالا بودند که در حکومت نفوذ خاصی داشتند. منبع دیگر او شایعات مردمی بود که هنگامی که آنها را به اشراف بی خبر می گفت آنها که با مردم ارتباطی نداشتند و نمیدانستند مردم از وضع زندگی آنها اطلاع دارند با حیرت به این حرفها گوش می کردند.

کم کم پیشگویی‌های هانسون رنگ نازیسم را به خود گرفت و پنهانی به همکاری با نازی‌ها مشغول شد. شایعات زیادی بود مبنی بر اینکه او با نازی‌ها همکاری می‌کند. او حتی از طریق هاینریش هوفمان (عکاس خصوصی فورر و شخص واسطه بین هیتلر و اوا برون) با پیشوا آشنا شد.

اغلب پیشبینی‌های او به واقعیت منجر می‌شد که شیوه پیشگویی او ناشناخته است اما به همکاری او با کارل ارنست و هلدورف باید توجه داشت. ...

در ژانویه ۱۹۳۳، هیتلر صدراعظم آلمان شد. هلدورف، به سمت رئیس پلیس برلین کارل ارنست به سمت فرمانده کلیه "سربازان استورم" گماشته شد.

در پانزدهم فوریه او یکی دیگر از پیشگویی‌های معروفش را در ویلایش انجام داد. در آن جلسه، ناگهان چهره هانسون در هم رفت و به نقطه‌ای خیره شد، آنگاه با لحنی یکنواخت گفت: ساختمانی بزرگ ... در شهر ما ... که دارد می‌سوزد ... ارتفاع شعله‌ها هر لحظه بیشتر می‌شود ... دود زیاد است ... یک ققنوس سحرآمیز ... از میان شعله‌ها سر برمی‌آورد ... و امکانات و آرزوها را از میان خاکسترها به ارمغان می‌آورد...

نکته حیرت‌انگیز این است که در ۲۷ فوریه همان سال "رایش‌تاگ"، مجلس آلمان، ناگهان و به طور مرموزی آتش گرفت و هیتلر آتش زدن آن را به "تروریست‌های کمونیست" نسبت داد. (کما اینکه اسناد تاریخی نشان‌دهنده این است که خود نازی‌ها این آتش سوزی را بر پا کردند). و هیتلر قانونی را از مجلس گذراند که وی هرکس را مشکوک تشخیص می‌داد می‌توانست بازداشت کند. و به این ترتیب بسیاری از مخالفانش را قلع و قمع کرد.

خب از بحث اصلی خارج شدیم!! در این بین هانسون با وجود هوش سرشارش، بی‌احتیاطی بزرگی کرد. برای او که در آن اواخر، به واسطه اسرار زیادی که از زندگی سران رژیم می‌دانست، حتی از آنها حق‌السکوت می‌گرفت، دیگر جایی در آلمان نداشت. دوستانش هرچه به او گفتند از آلمان خارج شو، اما او توجهی نکرد.

در ۲۴ مارس، وقتی که هانسون رستوران "گروندر تسوايگ" را ترک کرد، دو مرد جلوی او را گرفتند و بعد از رد و بدل شدن چند کلمه بین آنها، هانسون در میان آنها قرار گرفت و در خیابان به حرکت در آمد و این آخرین باری بود که پیشگو زنده دیده شد. ظهر فردای آن روز، منشی مخصوص هانسون، خبر گمشدن او را به پلیس داد. ۱۳ روز بعد، لباس غرقه به خون مردی در کنار جنگل باروت در چند مایلی برلین پیدا شد. پلیس اظهار کرد لباس متعلق به اریک یان هانسون است و تحقیقات در این مورد با جدیت دنبال می‌شود.

اما تا ۳۲ سال بعد هیچ اطلاعاتی از هانسون به دست نیامد و پرونده توسط پلیس بسته شد. اما در ژانویه ۱۹۶۶، نامه‌ای بدون اسم و امضا به اداره پلیس برلین غربی رسید. در این نامه ذکر شده بود که قتل اریک یان هانسون توسط سروان " کارل بکر " به دستور ارنست و یا هلدروف انجام گرفته است. از محتوای نامه بر می‌آمد که آلت قتل گلوله بوده. هانسون را سوار اتومبیلی کرده و در همان جا کشته بودند. اما پلیس دیگر به سروان بکر دسترسی نداشت و نتوانست پرونده را تعقیب کند و به این ترتیب، مرگ هانسون، مثل زندگی او در پرده‌ای از ابهام باقی ماند.

پایان سرگذشت هانسون ...

پیشگوئی سنت اودلیا

زنی پارسا و مومن بنام " سنت اودلیا " - این بانوی بزرگوار هرگز ادعا نکرد که میتواند از آینده با بشریت سخن بگوید، اما حیرت انگیز نیست اگر بگوییم او بعد از نوستراداموس میتواند دومین پیشگوئی تمام تاریخ باشد. شیوه بیان او بسیار ساده و روان است، وی مثل نوستراداموس از رباعی و کلمات رمز آمیز استفاده نکرده. عجیبترین و اسرار آمیزترین نکته درباره پیشگوئی او - اشاره به مسائلی است که در آن روزگار تصورش هم بسیار عجیب و غریب بنظر میرسد. مثل تسخیر آسمان و قعره دریا - پیشگوئیهای وی در نامه ای قرار گرفته که مخاطب آن برادرش میباشد. اجازه دهید مطلب را با هم دنبال کنیم و تنها به این نکته اشاره کنم که تا امروز هیچکس مثل " سنت اودلیا " جنگ جهانی دوم را انهم ۱۲۵۰ سال قبل - به این سادگی بیان نکرده است.

پیشگوئی حیرت اور " سنت اودلیا "

در آخرین ماههای جنگ جهانی دوم تعدادی از تانکهای امریکایی از شهر کوچکی در " اودلین برگ " واقع در قسمت غربی کوههای " استراس بورگ " با سر و صدای زیادی عبور میکردند. این ماشینهای عجیب و غریب جنگی چند یارد انطرفتر از کلیسای قدیمی که مقبره " سنت اولیا " در آن قرار داشت، صف کشیده بودند و صداهای مهیبی از آنان بر میخواست. " سنت اولیا " بانوی مهربان و پارسا و دیندار بود، اگر شما به پیشگوئی معتقد باشید باید بگوییم بیش از هزار سال پیش آمدن این تانکها را پیشگوئی کرده بود. آیا اودلیا قادر بود وارد مراحل زمانی شود و در آینده سیر نماید؟ آیا این بانوی مقدس حوادث قرن هجدهم، قتل عام و آتش سوزیهای همگانی را که دنیا را به سوی قرن بیستم سوق می داد را شرح داده بود؟ پاسخ ان در ادامه مطلب است. افرادی که آینده را پیشگوئی می کنند، کسانی که احضار روح مینمایند، کف بینها و کسانیکه از روی برگ چای و قهوه فال میگیرند - همگی ادعا می کنند که قادر هستند آینده را پیشگوئی کنند. اما این بانوی پرهیزکار جزو هیچ یک از این گروه ها نبود و هرگز چنین ادعای که میتواند آینده را پیشگوئی

کند- را نکرد. وی دختری بود از خانواده متومل المانی، در سال ۱۹۶۰ متولد شد و تقریباً " مدت ۶۰ سال نابینا بود، ولی هنگامیکه در سال ۱۹۷۱ غسل تعمید داده شد اعلام نمود بینائی خویش را بدست آورده و قادر است همه چیز را ببیند. داستانهای زیادی در مورد وی نقل شد - ولی هیچیک از آنها عجیب تر و مستندتر از " پیشگوئی سنت اودلیا " نبود. در این کتاب اودلیا ادعای پیشگوئی نکرده بود - اما در آن دو نامه به برادر محبوبش " پرنس فرانسونیا " بچشم میخورد که یکسری از رویاهای خود را که در خواب با آنها مواجه شده را به رشته تحریر درآورده است. افرادی که در این نامه شرح جنگ جهانی اول را مطالعه نمودند، تناقضها و ناهماهنگی های زیادی مشاهده کردند: الگوی جنگی با هدف نهایی هماهنگی نداشت. ولی این پیشگوئی با نقل قول افراد و همچنین وقایع جنگ جهانی دوم تا حدود زیادی مطابقت دارد. در اینجا دو نمونه عجیب از نامه سنت اودلیا که بیش از هزار دویست و پنجاه سال پیش به زبان لاتین برای برادرش نوشته شده است را با هم مورد بررسی قرار می دهیم. « اوه - برادر عزیزم. توجه کن. چون من وحشت و هراس جنگل ها و کوه ها را بچشم دیده ام. ترس بر مردم فائق میشود، چون هیچوقت در هیچ نقطه از دنیا کسی شهادتی این چنین از بلایا و گرفتاری ها را نداده است. زمانی فرا خواهد رسید که المان بعنوان جنگجوترین و متخاصم ترین کشور دنیا شناخته خواهد شد. دوره ای فرا خواهد رسید که مبارزی جنگی، جنگ را در کلیه نقاط دنیا کسترش می دهد. مردم او را ضد مسیح می نامند. مادران او را نفرین میکنند، مادرانی نظیر " راشل " بخاطره سرنوشت فرزندانشان عذاب می شوند، به این مادران حتی اجازه سوگواری داده نمی شود - چون در خانه هایشان معدوم می شوند و دیگر در این دنیا نخواهند بود. «اجازه دهید این قسمت از نامه را تحلیل کرده و " پیشگوئیهای اودلیا " را با وقایع مقایسه نمائیم. این قسمت از نامه که گفته شده المان متخاصم ترین کشور دنیا شناخته خواهد شد، نیازی به توضیح ندارد. تحلیل دوم اینکه در طی ۲۵ سال المانیها - دنیا را به ورطه جنگ کشاندند و ویرانترین جنگی که در طول تاریخ به ثبت رسانده است. سنت اودلیا به برادرش میگوید: مردم رهبر المان را ضد مسیح خطاب می کنند. آنها که تاریخ را مطالعه می کنند به خوبی با این جمله آشنا هستند. براستی مردم ادلف هیتلر را اینچنین خطاب میکردند و این نامی بود که هیتلر از طریق امال نفرت انگیز و وحشیانه اش کسب نمود. کلیساها و بالاخص رهبران کلیسا از جمله موارد مورد آزار اذیت هیتلر بشمار می رفتند. این دژخیم همه چیز را به آتش می کشید، غارت میکرد و تازمانیکه قدرت در دست داشت بدون آنکه به جنگ و خونریزی خاتمه دهد - همچنان به ویرانگریهای خویش ادامه داد. پرهیزکاران و افراد متدین و خداپرست به دستور او الت مضحکه و تمسخر مدارس هیتلر " یاوت موومننت " قرار گرفته بودند. ده فرمان حضرت موسی (ع) نزد عموم به مسخره گرفته می شد و انرا منشاء ضعف و بدبختی معرفی کرده بود. هیتلر با کمال افتخار آثار و اموخته های گاليله را ویران کرد تا خود را خدای مردم المان بشناساند. سپس در جای دیگر نامه قید شده است که این شخص مورد لعن و نفرین هزاران تن از مادران قرار میگیرد که بخاطره سرنوشت

فرزندانشان عزادار هستند . حقیقتاً " چقدر این موضوع به واقعیت نزدیک است! ولی نه فقط هزاران مادر بلکه میلیونها...!! مادران
کودکانی که در کلیساهای روسیه و لهستان جمع اوری شدند , زنده زنده سوزانده شدند . مادرانی که صاحب فرزند بودند ولی به زور
ماموران هیتلر به خانه های فساد دولت المان کشانیده شدند . اری این رهبر المانی مورد لعن و نفرین قرار گرفت, چرا که این مادران از
کشورهایی چون بریتانیا , فرانسه, روسیه, امریکا و استرالیا شاهد بودند که چگونه دختران و پسرانشان جان خود را در جنگی که هیتلر
بانی آن بود از دست دادند . ولی ایا حقیقتاً " سنت اودلیا به هیتلر اشاره کرده بود و منظورش این رهبر دژخیم و بی رحم بود؟! پاراگراف
بعدی نامه, اطلاعات بیشتری در دسترس ما قرار میدهد . اودلیا مینویسد : « این فاتح از سواحل دانوب می آید و رئیس مقتدری خواهد
شد, جنگی را برپا می کند – که دهشتبارترین و مخوفترین جنگی خواهد بود که بشر تاکنون دیده است «! حال اجازه دهید به تحلیل
این قسمت از نامه بپردازیم . وی از سواحل دانوب برخاسته است . ادلف هیتلر در محلی که تنها با اختلاف پنجاه فوت از رودخانه دانوب
فاصله داشت – متولد گردید . در انتهای پاراگراف بالا دوباره به جنگی که وحشتناک و مخوفترین جنگی بوده که بشر دیده اشاره شده
است . شما عزیزان بهتر از هر کس می دانید که جنگ جهانی دوم وحشتناکترین جنگ جهانی بود که بشریت را به سختی تهدید
میکرد . سنت اودلیا ادامه میدهد : « دستانش شعله ور خواهند شد و در حالیکه سربازانش مشعلهای آتش را بدست دارند بسوی مکانی
که از آنجا جرقه آتش بیرون میزند حرکت می کنند . تعیین تعداد جنایتهایی که صورت میگیرد غیر ممکن میباشد « . سلاحهای آتشزا,
بمب افکنها, بمبهای آتشزا – همگی در شما شعله هایی هستند که سنت اودلیا از آن نام برده است . مشعلهای آتش احتمالاً " نشانه
سوزاندن شهری بعد از شهر دیگر و ملتی بعد از ملتی دیگر میباشد و تمامی این جنایت در مراحل اولیه فتوحات وی صورت گرفت . وی
در حالیکه مشعلی بدست داشت – شهرها را یکی پس از دیگری طی میکرد و با به آتش کشیدن شهرها از خود آثاری به جز ویرانی
برجای نمی گذاشت . تعیین تعداد جنایات که وی مرتکب گردید غیر ممکن میباشد . " لیدایس " " داخائو " ... قتلگاههای
عمومی... کوره های ادم سوزی که میلیونها تن از مردم بی پناه و درمانده را در آنجا سوزانده و از خاکستر آنها در ماشینهای جنگی هیتلر
استفاده می شد . « وی در خشکی و دریا و آسمان پیروز خواهد بود – چون در این حملات ناباورانه, مردان جنگی مشاهده خواهند شد
که حتی بدست آوردن ستاره ها نیز به آسمان خواهند رفت و سپس این ستاره ها را جهت آغاز جنگهای بزرگ از نقطه ای از دنیا به
نقطه ای دیگر پرتاب می کنند « . به مدت ۲ سال پس از آنکه هیتلر ماشینهای جنگی خود را در دنیا بکار انداخت, سپاهیان در سراسر
قاره اروپا متفرق گردیدند . صدها هواپیما دشمنانش را نابود کردند و با به آتش کشیدن شهرهای بی دفاع شبها را همچون روز روشن
میکردند .